

XM-001 (2002/05/31)

## قاعده‌مند کردن خط فارسی

mamwad@mailaps.org

محمد - خرمی

این بخش ی از مقاله ای راجع به مشکلات خط فارسی است، و در آن راه‌ها یی برای حل بعضی از این مشکلات پیش‌نهاد شده.

### 3 متولی خط برای زبان فارسی چه کسی است؟

یک پاسخ رایج به پرسش بالا این است که ادبای کشور مسئول حفظ یا احیاناً تغییر خط اند، چون این گروه، بنا بر تعریف بیش از دیگران به آثار ادبی فارسی و ساختار زبان فارسی آشنا هستند. اساس این استدلال آن است که نقش عمده ی خط تولید آثار هنری (در این مورد ادبی) است، و البته ادبای بیش‌ترین تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌ها ی آثار ادبی اند. اما خط نقش مهم‌تری دارد و آن اطلاع‌رسانی است. از خط به عنوان یک وسیله ی اطلاع‌رسانی، قاعدتاً همه ی افراد جامعه استفاده می‌کنند. بیش‌تر استفاده کردن یا کم‌تر استفاده کردن از خط به نوع تخصص فرد بستگی ندارد بل که به این بستگی دارد که فرد چه قدر فرهنگی است. ضمناً ادبای ممکن است به خاطر تخصص‌شان بیش‌ترین مصرف‌کننده‌ها ی آثار ادبی باشند، اما لزوماً تولیدکننده ی آثار ادبی نیستند. تولیدکننده‌ها ی آثار ادبی نویسنده‌ها و شاعران اند. جز متن‌ها ی ادبی، متن‌ها ی تخصصی هم به خط نیاز دارند، و تولیدکننده‌ها ی چنین متن‌ها یی آدم‌ها یی با

تخصص‌ها ی متفاوت اند. به این ترتیب، از این نظر ادبا هیچ مزیت ی بر دیگران ندارند. یک پرسش - مهم این است که آیا اصولاً باید نوشته‌ها را از نظر - خط و قاعده‌ها ی نوشتن کنترل کرد یا نه، و اگر بله، چه نهاد ی مسئول - این کار است. (در این جا منظور تغییر خط نیست، بل که قاعده‌مند کردن - خط - موجود است.) من فکر می‌کنم اگر تولیدکننده و تضمین‌کننده ی (مالی ی) متن بخش - خصوصی باشد، کنترل ی لازم نیست: بازار تعیین خواهد کرد آن سبک - نوشتن رایج می‌شود یا نه. اما متن‌ها یی هست که هزینه ی تولید - شان از بودجه ی عمومی تعیین می‌شود. اعمال - کنترل برا ی این‌ها قابل بررسی است، به شرط - آن که قاعده ی پذیرفته‌شده ای برا ی نوشتن وجود داشته باشد. آیا چنین قاعده ای وجود دارد؟ من قاعده ی نوشته‌شده ای سراغ ندارم، مگر این که بخواهیم دستورالعمل‌ها ی نوشتن - تعداد - محدود ی کلمه (آن هم به شکل - موردبهمورد) را قاعده بنامیم. البته خود - همین‌ها هم با هم سازگار نیستند. آن چه فعلاً وجود دارد این است که بعضی تولیدکننده‌ها ی متن و بعضی ناشرها (خصوصی یا دولتی) دستورالعمل‌ها یی (نوفاً نوشته‌نشده) برا ی خود - شان دارند. این دستورالعمل‌ها یک‌سان نیستند، و در خیل ی از موارد حتا متن‌ها ی حاصل از تولیدکننده ی یک‌سان و ناشر - یک‌سان، یک‌نواخت نیستند.

فرض کنیم قرار باشد گروه ی مسئول - یک‌نواخت کردن - قاعده‌ها ی نوشتن شود، در واقع مسئول - قاعده‌مند کردن - نوشتن شود. البته بر اساس - بحث‌ها ی قبلی، منظور این است که این گروه قاعده‌ها یی پیش‌نهاد کند، نه این که تولیدکننده‌ها را به رعایت - این قاعده‌ها ملزم کند. چه ترکیب ی برا ی این گروه مناسب است؟

- این گروه باید نماینده‌ها یی از گروه‌ها ی تخصصی ی مختلف - تولیدکننده ی متن داشته باشد، اعم از نویسنده‌ها و شاعرها (تولیدکننده‌ها ی متن‌ها ی ادبی)، خبرنگارها، دانش‌پیشه‌ها از رشته‌ها ی مختلف، و ... این که تولیدکننده‌ها یی از رشته‌ها ی مختلف لازم است، به خاطر - نیازها ی متفاوت - رشته‌ها ی مختلف است. مثلاً برا ی یک ادیب، ممکن است دقت - متن از نظر - مفهوم ی که انتقال می‌دهد چندان مهم نباشد. حتا ممکن است در موارد ی یک متن - مبهم (که از آن چند مفهوم استنباط شود) ارزش - هنری داشته باشد (صنعت - ایهام). اما در مورد - یک متن - علمی مهم است مفهوم - انتقال‌یافته دقیق و یک‌تا باشد. به عنوان - مثال، به این دو جمله توجه کنید. «بس آمد - آونگ در قطار را سنجیدم.» و «بس آمد - آونگ

را در قطار سنجیدم.» احتمالاً تفاوت - معنی ی این دو جمله برا ی یک ادیب چندان مهم نیست، و ادیب جمله ی دوم را ترجیح می دهد؛ حتماً ممکن است بگوید جمله ی اول از نظر - دستور - فارسی نادرست است. از نظر - یک فیزیک پیشه، معنی ی این دو جمله متفاوت است. در جمله ی اول بس آمد - آونگ ی سنجیده می شود که در قطار است. خود - آونگ در قطار است و جا ی آزمایش گاه معلوم نیست. در جمله ی دوم بس آمد - آونگ ی سنجیده می شود که جا ی آن معلوم نیست، اما آزمایش گاه در قطار است. البته این مثال بیش تر به دستور - زبان - فارسی مربوط است تا به قاعده ها ی نوشتن، اما باید روشن کند که انتظار - گروه ها ی مختلف از خط متفاوت است.

- تدوین - قاعده برا ی نوشتن یک کار - علمی است. برای این کار متخصص ها یی در زمینه ی زبان شناسی، و متخصص ها یی در زمینه ی تئوری ی اطلاعات لازم است. تئوری ی اطلاعات یک زمینه ی میان رشته ای ی جوان (با سن - حدود - نیم قرن) است، که در مرز - فیزیک (فیزیک - آماری)، ریاضیات (تئوری - احتمال)، و مهندسی ی برق (مخابرات) است.

- وجود - یک گروه - هنری برای ساختن - فُنْت های مناسب برا ی خط لازم است. این کار لزوماً بخش ی از تدوین - قاعده برای نوشتن نیست، و برا ی دست نوشته ها هم مهم نیست. اما برا ی متن ها ی چاپ ی مهم است. یک مثال - مشکل - فُنْت ها ی فعلی ی خط - ما، فُنْت ها ی ایرانیک و خوابیده است. برخلاف - فُنْت - ایتالیک در خط - لاتین، شکل - این فُنْت ها با شکل - فُنْت - معمول - خط فرق ندارد: حروف - این فُنْت ها فقط کج نوشته می شوند. به همین خاطر تشخیص - این فُنْت از فُنْت - معمولی، به ویژه اگر فقط یک یا چند واژه با این فُنْت ها در متن ی با فُنْت - معمولی باشد، دشوار است، و این فُنْت ها وظیفه یشان (نشانه ی تکیید) را به خوبی انجام نمی دهند.

به طور - خلاصه، فعلاً قاعده ها ی روشن ی برا ی نوشتن نداریم. اگر قرار باشد گروه ی چنین قاعده ها یی پیش نهاد کند، این گروه باید شامل - متخصص ها ی مختلف و به ویژه زبان شناس ها و متخصص ها ی تئوری ی اطلاعات باشد. در واقع بسیاری از تغییرات ی که طی ی همین چند دهه ی اخیر در روش - نوشتن - خط - فارسی انجام شده، و وضع را

کم ی به‌تر کرده است، را ادبا باعث نشده اند. مرکز - نشر - دانش‌گاهی تغییرها ی مهم ی در روش - نوشتن (به‌ویژه روش - نوشتن - متن‌ها ی علمی) به وجود آورده است. فُنت - ایرانیک هم، که با وجود - مشکلات آَش گام - مهم ی در نشر - فارسی بوده است، ساخته ی غلام‌حسین - مصاحب است، که یک ریاضی‌پیشه بود. هنوز هم یک اسم - دیگر - این فُنت، حروف - مصاحب است. این موضوع منحصر به زبان - فارسی نیست. مجموعه ی تیخ (TEX) و وابسته‌ها ی آن انقلاب ی در نشر - کتاب‌ها ی علمی به وجود آورده است. البته هدف - این مجموعه تغییر - قاعده‌ها ی نوشتن نبوده است. سازنده ی اولیه ی این مجموعه دایلد کُوت است، که یک ریاضی‌پیشه است و این کار را با هزینه ی انجمن - ریاضی ی امریکا انجام داده است. این‌ها همه مثال‌ها ی نقض ی است بر این ادعا که خط و نشر کار - ادبا و ناشران است و بقیه نباید در آن دخالت کنند.

#### 4 قاعده‌مند کردن - خط - موجود

پیش‌نهادها ی زیر برا ی قاعده‌مند کردن - نگارش با خط - فعلی، بر اساس - این اصل‌ها هستند.

- قاعده‌ها باید به این کمک کند که نوشته را بشود به‌سرعت درست خواند. اگر به اخبار - رادیو و تله‌ویزیون توجه کرده باشید، موارد - زیاد ی را دیده اید که گوینده پس از خواندن - یک جمله بر می‌گردد و جمله اش را اصلاح می‌کند، چون از فحوا ی جمله‌ها ی اطراف می‌فهمد متن را اشتباه خوانده. البته گاه ی هم متن را اشتباه می‌خواند (ما می‌فهمیم) ولی اصلاح نمی‌کند.
- قاعده‌ها نباید شکل - خاص ی برا ی جمله‌ها ی زبان - فارسی دیکته کند. مثلاً نباید به خاطر - این که «ی» ی نسبت ممکن است با «ی» ی وحدت اشتباه شود، توصیه کنیم به جای «ی» ی وحدت واژه ی «یک» به کار رود. زبان نباید خود آَش را با خط سازگار کند؛ خط باید با زبان سازگار شود.
- قاعده‌ها باید کلی باشد نه برا ی موارد - خاص. مثلاً بعضی‌ها پیش‌نهاد کرده اند دو جور «ی» به کار رود: یک ی «ی» ی معمولی و یک ی «ی» با دو نقطه زیر - آن. به این وسیله می‌شود بین - «ی» ی نسبت و «ی» ی وحدت یا نکره فرق

گذاشت. اشکال - من به چنین قاعده ای آن است که به این ترتیب، «ی» ی نقطه دار برای فقط یک واژه خلق شده است. چنین قاعده‌ها بی، خط را از این که هست هم بی قاعده‌تر می‌کند، و در واقع آن را به سمت - خط - تصویری می‌برد. توجه داریم که خط - تصویری هم چیزی نیست جز شکل در تناظر با واژه (نه در تناظر با صدا).

- قاعده‌ها نباید سلیقه‌ای باشد. عبارت‌ها بی از قبیل - «واژه‌ها ی مرکب باید چسبیده نوشته شوند مگر آن که زشت به نظر آیند» قاعده نیست، چون زشت به نظر آمدن به شخص بسته‌گی دارد. در چنین مواردی به‌تر آن است که چیزی گفته نشود، یا گفته شود هر جور می‌خواهید بنویسید.

- قاعده‌ها باید کم‌تعداد و تا حد - امکان ساده باشد. می‌پذیریم که این قاعده به روشنی ی قاعده‌ها ی پیش نیست. منظور این است که تا حد - امکان، برای درست‌نوشتن لازم نباشد شخص تسلط - زیادی به زبان داشته باشد. برای قاعده‌وضع کردن تسلط به زبان لازم است، اما خوب است برای درست‌نوشتن فقط آشنایی با زبان لازم باشد. شاید یک معیار برای تعیین - این که قاعده‌ها این خاصیت را دارند یا نه، بچه‌ها باشند. بچه‌ها از بزرگ‌ها ی ادبیات‌دان قاعده‌مندتر حرف می‌زنند (و می‌نویسند). در واقع با نگاه ی به بعضی «اشتباه»ها ی بچه‌ها در نوشتن، می‌شود بسیاری از بی‌قاعده‌گی‌ها ی خط - مان را دریافت.

اما خود قاعده‌ها؛ برگردیم به مشکلات ی که ابتدا ی کار طرح شد. ظاهراً چپ‌به‌راست کردن - خط در قالب - اصلاح - خط - فعلی نیست. پس از آن بگذریم. این که حروف چند شکل دارند و به هم می‌چسبند هم کاملاً قابل‌حل نیست. اما این که چه چیزهایی را باید به هم چسباند و چه چیزهایی را نه، اصلاح‌پذیر است. قاعده ی چسباندن براساس - واژه‌ها ی ساده، مرکب، و متمایز است. واژه ی مرکب واژه ای است که شامل - یک سازه با معنی ی مستقل باشد (معنی ی مستقل ی که به معنی ی کل - واژه مربوط باشد).

(i) دو واژه ی مستقل را جدا و با فاصله می‌نویسیم. سازه‌ها ی یک واژه ی مرکب را نچسبیده و بی‌فاصله می‌نویسیم. حروف - یک سازه ی تجزیه‌ناپذیر (آن‌ها بی که قابل‌چسباندن به هم اند) را به هم می‌چسبانیم.

بر اساس - این قاعده، می نویسیم کتاب خانه، دانش گاه، آزمایش گاه، بی دررو، به خانه، به تندی، بدست. در «به خانه»، «به» یک واژه ی مستقل (حرف اضافه) است. در «به تندی»، «تند» یک سازه ی مستقل و واژه یک واژه ی مرکب است. «بدست» (یعنی وجب) یک واژه ی ساده است.

این قاعده مشکل - تفاوت - بین «ی» ی نسبت و «ی» ی نکره (یا وحدت) را حل می کند، بی آن که برای آن مورد - خاص وضع شده باشد، یا علامت - ویژه ای وارد - خط کرده باشد: «ی» ی وحدت (یا نکره) یک واژه ی مستقل است و باید با فاصله از واژه ی قبلی نوشته شود، در حال ی که «ی» ی نسبت یک سازه از یک واژه ی مرکب است. تلفظ - این دو هم کاملاً متفاوت است در «کتابی»، تأکید روی واکه ی «ی» است، که نشان می دهد با یک واژه (ی مرکب) سروکار داریم، در حال ی که در «کتاب ی» تأکید روی واکه ی «ا» است، که نشان می دهد «ی» یک واژه ی مستقل است. اولی یعنی شبیه - کتاب، دومی یعنی یک کتاب.

یک مورد - مهم - دیگر هم کسره ی اضافه است. کسره ی اضافه (و تبدیل یافته اش «ی») یک واژه ی مستقل است و باید با فاصله از واژه ی پیش نوشته شود. بعضی ها برای حل - این مشکل پیش نهاد می کنند کسره ی اضافه نگذاریم مگر جاهایی که اشتباه پیش می آید. این راه چند اشکال دارد. یک ی این که معمولاً کسی که می نویسد می تواند متن - خود - را به سادگی بخواند، چون می داند چه نوشته؛ بنابراین خیل ی از مشکلات - خواننده ی احتمالی را نویسنده نمی بیند. دیگر این که مشکل - کسره ی اضافه، نوعاً این است که فارسی زبان ها عادت کرده اند موقع - خواندن بین - واژه ها ی متوالی کسره بگذارند، یعنی مشکل این است که مردم موقع - خواندن زیادی کسره می گذارند، نه این که کم کسره بگذارند. پس جاهایی که اشتباه می شود، معمولاً کسره ای وجود ندارد و خواننده کسره می گذارد. با کسره گذاشتن در بعضی از جاهای دیگر، نمی شود این اشتباه را اصلاح کرد. این است که بعضی ها در این موارد، بین - دو واژه کاما می گذارند، در حال ی که مکث ی در کار نیست. تعداد - کمتری هم روی واژه ی اول سکون می گذارند. سرانجام، این ها راه های نیستند که بشود به سادگی به آنها یی که با فارسی آشنا هستند (نه متخصص ها ی فارسی) یاد شان دارد، حتا جاهایی که دو متخصص - فارسی هم کسره ی اضافه، کاما، یا سکون می گذارند، یک سان نیست، و بسیار پیش می آید که یک نویسنده هم وقت ی به متن ی که خود - اش نوشته بر می گردد، این موارد را تغییر می دهد. در برابر،

قاعده ي بالا روشن و کلی است. بر اساس قاعده ي بالا، کسره ي اضافه همیشه نوشته می شود. پس هر جا بین دو واژه ي متوالی کسره ای نبود، این دو واژه را باید بدون کسره بین شان خواند. جدا کردن کسره (به عنوان یک واژه ي مستقل) ضمناً امکان می دهد ترکیب‌ها یی مثل «X - سخت» هم بی هیچ اشکالی نوشته شود. در چنین ترکیب‌ها یی، کسره ي اضافه به علامت ی (یا مجموعه علامت‌ها یی) متصل شده که با حروف خط فارسی نوشته نمی شود.

بر اساس این قاعده، ضمیرها ي ملکی هم با فاصله از واژه ي پیش نوشته می شوند: «کتاب م»، «کتاب‌ها یش»، «خانه ات»، و «خانه یشان».

یک پرسش این است که چه طور یک واژه ي مرکب را از دو واژه ي متمایز تشخیص دهیم. در فارسی، جواب این سؤال بسیار ساده است. در فارسی، تأکید در اسم‌ها روی هجا ي آخر است، جز در مواردی که جمله حالت خاص دارد، مثلاً ندایی یا امری است. به این دو جمله توجه کنید. «آن جوان مرد است.» و «آن جوان مرد آمد.» در جمله ي اول، «جوان» و «مرد» دو واژه ي متمایزاند: «مرد» گزاره ي جمله است. در جمله ي دوم، «جوان مرد» یک واژه ي مرکب است. معنی ي این ترکیب‌ها در دو جمله کاملاً متفاوت است، و با این روش نوشتن، این تفاوت معنی به سرعت معلوم می شود، بی آن که لازم باشد این تفاوت را از واژه‌ها ي اطراف تشخیص دهیم.

فعالاً این قاعده در مورد سازه‌ها ي دستوری ي فعل‌ها رعایت نشده است، مثلاً می نویسیم «بُرو» نه «بُرو». یک راه آن است که یک تبصره اضافه شود که سازه‌ها ي دستوری را چسبیده بنویسیم.

یک ی از ظرافت‌ها ي این قاعده آن است که با آن می شود تغییرات دستوری یی که در گفت‌وگو با تغییر جا ي تأکید معلوم می شود را، به خواننده منتقل کرد. در گلستان سعدی آمده «پسران وزیر ناقص عقل به گدایی به روستا رفتند». مقصود این است که پسران ناقص عقل اند نه وزیر. اما با شکلی نوشتن بالا، ناقص عقل صفت وزیر است. در واقع اگر می خواستیم بنویسیم پسران ی که از وزیر ناقص عقل اند، باید به شکل بالا می نوشتیم. یک راه آن است که بنویسیم «پسران ناقص عقل وزیر». اما این تصرف در متن است، که تصادفاً یک متن ادبی هم هست. راه دیگر آن است که توجه کنیم در خواندن، برای این که معنی ي عبارت درست منتقل شود «پسران وزیر» را با یک تأکید می خوانیم نه دو تا. پس در این جا پسران وزیر یک واژه ي مرکب است و باید بی فاصله نوشته شود:

«روستازاده‌ها ی دانش مند، به وزیر ی پادشا رفتند  
 پسران وزیر - ناقص عقل، به گدایی به روستا رفتند.»  
 مثال - دیگر شکل‌ها ی «خیل ی» و «خیلی» است. این دو ترکیب، با دو تأکید - مختلف،  
 معنی‌ها ی مختلف دارند. معنی ی «خیلی» شدیدتر از «خیل ی» است.

(ii) در نوشتن - واژه‌ها ی مرکب، شکل - سازه‌ها ی مستقل را تغییر نمی‌دهیم.

مثلاً می‌نویسیم «خانه‌گی» نه «خانگی». در این جا «خانه» یک سازه ی مستقل است،  
 «ی» ی نسبت به «گی» تبدیل شده است. در «خامه‌ای» هم «خامه» یک سازه ی مستقل  
 است و «ی» ی نسبت به «ای» تبدیل شده است. آدم‌ها یی هستند که می‌گویند علت -  
 تبدیل - «ی» به «گی» در «خانه‌گی» آن است که زمان ی به جا ی «خانه» می‌گفته اند  
 «خانگ». این حرف، چه درست باشد چه نادرست، به مسئله ی نوشتن - امروزی ی ما  
 ربط ی ندارد، و فکر می‌کنم ساده و درست نوشتن - متن‌ها ی امروزی را نباید به ساختار -  
 هزار یا بیش‌تر سال پیش - فارسی مربوط کنیم.

(iii) سعی می‌کنیم واژه‌ها را همان طور که خوانده می‌شوند بنویسیم.

این یعنی مثلاً بنویسیم «حتا» نه «حتی»، و کاش می‌شد واو - معدوله ی زبان - فارسی را  
 هم حذف کرد: «خاهر» به جا ی «خواهر»، «خاستن» به جا ی «خواستن».

(iv) همزه را فقط روی پایه ی «ی» «ی» (ی بی نقطه) بنویسیم، یعنی فقط به شکل - «د» و  
 «ی». البته فعلاً حذف - شکل - «ا» و «آ» به عنوان - علامت - همزه دشوار است.

به این ترتیب، می‌نویسیم «مسئله» نه «مسأله»؛ نیز می‌نویسیم «جزئی»، «شیئی»، «خلئی».  
 واژه‌ها یی مثل - «انشا» را فارسی زبان‌ها بدون - همزه ی آخر تلفظ می‌کنند. بنابراین  
 «انشای» نمی‌نویسیم.

(v) «و» را به عنوان - نشانه ی مد به کار می‌بریم، مثل - «گاؤس».

(vi) هر جا به نظر مان رسید نگذاشتن - اعراب خواندن را برای گروه - زیاد ی مشکل  
 می‌کند، حتماً اعراب بگذاریم. البته تشخیص - ساده‌گی یا سختی ی متن، در  
 بسیاری از موارد سلیقه‌ای است. منظور این است که از اعراب گذاشتن وحشت  
 نداشته باشیم.

اشکال ی که به قاعده‌ها ی بالا خواهند گرفت، این است که به این ترتیب شکل - خط نامئوس می‌شود. این حرف درست است، اما این مشکل بهایی است که برای ساده‌ترخواندن و ساده‌ترنوشتن باید پرداخت، و این هزینه جاری نیست: یک بارپرداخته می‌شود. ضمناً چنین تغییرات ی در خط - فارسی بی‌سابقه نیست. زمان - نه چندان زیاد ی پیش، «تهران»، «اتاق»، «توفان»، ... را «طهران»، «اطاق»، «طوفان»، ... می‌نوشتند. در گذشته ی نه چندان دور، «خانه ای» را «خانه» می‌نوشتند. علامت‌ها ی نقطه‌گذاری و فاصله‌گذاری بین - واژه‌ها هم، مدت - زیاد ی نیست که رایج شده است. مدت - زیاد ی نیست که پذیرفته اند «ی» ی اضافه (کسره ی اضافه که به «ی» تبدیل شده است) را بگذارند، البته بعضی‌ها می‌نویسند «خانه»، و بعضی‌ها می‌نویسند «خانه ی» یا «خانه ی». اگر «ی» ی اضافه به عنوان - یک واژه به رسمیت شناخته شده، چرا کسره ی اضافه را (که دقیقاً همان نقش را دارد) ننویسیم؟ توجه کنید که این تغییرات ی که از آن‌ها نام برده شد، همه دست‌بالا بیست‌سی سال سن دارند. حتماً این تغییرات هم با مقاومت‌ها ی روبه‌رو بوده اند، اما نهایتاً به پاکیزه‌ترکردن - خط - فارسی منجر شده اند.